

تحلیل جامعه‌شناختی سبک زندگی پایدار در بین دانشجویان^۱

صادق صالحی^۲
زهرا پازوکی نژاد^۳

چکیده:

سبک زندگی پایدار، نقطه شروع ارزیابی پیامدهای زیست‌محیطی است که بر چرخه زندگی ما وارد می‌شود؛ بنابراین، از دیدگاه سبک زندگی باید به اقداماتی که افراد انجام می‌دهند و پیامدهای زیست‌محیطی آن توجه داشت. در این تحقیق، میزان گرایش دانشجویان نسبت به سبک زندگی پایدار و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن مورد بررسی قرار گرفت. سبک زندگی پایدار نوعی شیوه زندگی سازگار با محیط‌زیست و پایدارسازی منابع انرژی برای کاهش تولید کربن است. بررسی حاضر با رویکرد کمی انجام شده و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه بوده است. با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای از بین ۱۰۳۱۳ دانشجو، ۴۱۵ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های دولتی استان مازندران به‌عنوان نمونه مورد بررسی انتخاب شدند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که سبک زندگی دانشجویان، ناپایدار بوده و میزان رعایت سبک زندگی پایدار برحسب جنسیت و محل سکونت دانشجویان متفاوت است. به‌عبارت‌دیگر، دانشجویان پسر بیش از دانشجویان دختر و شهرنشینان بیش از روستائینان سبک زندگی پایدار داشتند. علاوه بر این، نتایج تحقیق نشان داد که بین منابع اطلاعات زیست‌محیطی، نگرش زیست‌محیطی و دانش زیست‌محیطی و سبک زندگی پایدار رابطه مستقیم دارد. همچنین، نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که منابع اطلاعاتی و نگرش زیست‌محیطی بیشترین تأثیر را بر سبک زندگی پایدار دانشجویان دارا می‌باشد.

واژگان کلیدی: سبک زندگی پایدار، نگرش زیست‌محیطی، دانشجویان

^۱ مقاله حاضر برگرفته از پژوهشی آزاد است که در سال ۱۳۹۵ در دانشگاه مازندران به انجام رسیده است.

^۲ دانشیار جامعه‌شناسی محیط زیست، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران، مسئول مکاتبه، پست الکترونیک: S.salehi@umz.ac.ir

^۳ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران، پست الکترونیک: Zahrapazoki1464@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

از دهه‌ی ۱۹۶۰ به بعد، میزان مصرف جهانی تا شش برابر افزایش یافت. جمعیت جهان دو برابر شده و هزینه‌های مصرفی به ازای سرمایه تقریباً سه برابر شده است (سازمان حفاظت محیط‌زیست اروپا^۱، ۲۰۱۱: ۴). در پایان همین دهه بود که متفکران رادیکال اقتصادی راه‌حل‌های نظری برای بحران زیست‌محیطی در حال رشد در آمریکا و سایر نقاط جهان را مطرح کردند (صالحی، ۲۰۱۰). بسیاری از صاحب‌نظران این رویکرد، با بررسی دقیق سیستم‌های تولید صنعتی نتیجه گرفتند که رشد نامحدود اقتصادی، از نظر محیط‌زیستی ناممکن است. تا پیش از دهه ۱۹۶۰، پارادایم اجتماعی ضد اکولوژیکی در جوامع غربی حاکم بود و با بروز مشکلات محیط‌زیستی انسان‌ساخت، افکار نوینی ظهور کرده‌اند که این پارادایم را به چالش کشیدند (دانلپ^۲ و وین لایر^۳، ۱۹۷۸: ۲۵). این پارادایم جدید توسط دو تن از بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی محیط‌زیست یعنی دانلپ و کتان^۴ مطرح شد (صالحی، ۲۰۱۰). ظهور چنین مدل‌های محیط‌زیستی نشان می‌داد که چرا و چگونه مردم نگرش و رفتارهایشان را در رابطه با محیط‌زیست تغییر داده‌اند. در واقع، کتان و دانلپ با طرح چنین پارادایمی، بر این امر اصرار داشتند که نگرانی درباره بحران محیط‌زیست، نه تنها برای جهان طبیعت پیامدهایی دارد، بلکه برای جامعه انسانی هم نتایج مهمی به بار خواهد آورد (دانلپ و میچلسون^۵، ۲۰۰۲: ۲۳۸). یکی از این نتایج مهم، تغییر در سبک زندگی و الگوهای مصرفی افراد جامعه است. مصرف بیش‌ازحد منابع آبی، مصرف فزاینده سوخت‌های فسیلی، افزایش تولید ضایعات خانگی و عدم بازیافت صحیح آن‌ها در مبدأ و از بین رفتن تنوع زیستی و غیره همگی نشانه‌های ناپایدار بودن مصرف و سبک زندگی افراد در جامعه می‌باشد (جونز^۶، ۲۰۰۷: ۶). سبک زندگی پایدار و مصرف پایدار یکی از دغدغه‌های جامعه‌شناسان محیط‌زیست نیز بوده است. مثلاً جان اوری^۷ (۲۰۱۱: ۷۸) جامعه‌شناس برجسته انگلیسی که در کتاب خود با عنوان «جامعه و تغییر آب‌وهوا»^۸ به بررسی ردپاهای کربنی^۹ افراد و جوامع و راهکارهای کاهش آن پرداخته است، مصرف‌زدگی و سیاست‌های مصرف در سرمایه‌داری کربنی^{۱۰} را عامل مهم تشدید تغییر آب‌وهوا یا گرم شدن جهانی معرفی می‌کند. به نظر اوری، مصرف برای سرمایه‌داری سود فراوانی داشته است. مصرف‌زدگی موجب گشته است تا بسیاری از افراد، دایره تعامل و زندگی در خانواده و محله‌هایشان را توسعه دهند و بیشتر در حال گردش و مصرف در جهان قرار بگیرند. بسیاری از افراد دیگر نیز به منظور «خدمت‌رسانی»^{۱۱} به چنین اشخاصی استخدام شدند که اکثرشان از مکان‌های دیگر به آنجا آمده‌اند. چیزی که می‌توان به‌عنوان «خوش‌گذرانی متحرک»^{۱۲} توصیف کرد. خوش‌گذرانی فقط در یک جهان نئولیبرال گسترش می‌یابد. آنتونی گیدنز نیز در بیان سیاست‌های زندگی برای مقابله با تغییر آب‌وهوا به انگیزه‌های مالی مثبت به‌منظور پذیرش الگوهای تولید و مصرف کم کربن اشاره می‌کند و بازار را اولین واسطه انتخاب‌ها در زندگی روزمره و تغییر رابطه ابزاری مدرنیته با طبیعت تلقی می‌کند (تورپ^{۱۳} و جاکوبسن^{۱۴}، ۲۰۱۳: ۱۱۲). از نظر او، مردم جهان می‌توانند با کاهش مصرف و تغییر سبک زندگی‌شان همسو با جنبش‌های محیط‌زیستی و سازمان‌های غیردولتی به نجات کره زمین کمک کنند. توجه به این امر برای برنامه‌ریزی و تشویق افراد به تغییر سبک زندگی و الگوهای مصرف لازم است. تدوین برنامه‌ها برای حرکت به‌سوی توسعه پایدار باید به‌گونه‌ای باشد که در

^۲. Dunlap^۳. Vanlier^۴. Catton^۵. Michelson^۶. Jones^۷. John Urry^۸. Society and Climate Change^۹. Carbon Footprint^{۱۰}. Carbon Capitalism^{۱۱}. Servicing^{۱۲}. Binge Mobility^{۱۳}. Thorpe^{۱۴}. Jacobson

الگوهای مصرف جامعه مخصوصاً قشر جوان و به‌خصوص جوانان تحصیل‌کرده تغییر ایجاد شود. دانشجویان هم به‌مانند هر گروه دیگری در جامعه تغییرات قابل‌اندازه‌گیری دارند. آن‌ها به‌عنوان پیشگامان تغییرات اجتماعی در هر جامعه‌ای، جلوه‌ای از آینده نزدیک و دور جامعه کنونی هستند. مؤثرترین گام جهت حفظ محیط‌زیست ارزیابی رفتار و عملکرد جوانان در رسیدن به اصول اولیه زندگی پایدار است یعنی افراد باید رفتار خویش را در مواجهه با محیط‌زیست طوری مورد ارزیابی قرار دهند تا به منش ثابت و اصول همزیستی با طبیعت دست یابند. چراکه بهره‌وری صحیح از منابع، باعث پایداری زندگی می‌شود. از این‌رو، مراکز آموزش عالی، یکی از کنشگران اصلی در امر آموزش محیط‌زیست توسعه‌ی پایدار می‌باشند. هدف اولیه چنین برنامه‌های زیست‌محیطی، تربیت فارغ‌التحصیلانی است که به جوامع و دولت‌ها برای حل مشکلات فنی، مدیریتی و سیاست‌گذاری در زمینه منابع طبیعی، کیفیت زیست‌محیطی و عدالت اجتماعی کمک نمایند (کلارک^۱، ۲۰۱۰). از این‌رو، دانشگاه‌ها منبع تغییر ساختارها، خلق عملکردهای نوین و پایدار و نهادینه‌سازی این عملکردها در ساختارها به‌سوی پایداری‌سازی باشند. به‌عبارت‌دیگر، طراحان نهادهای آموزشی می‌توانند به‌گونه‌ای ساختارها را تغییر دهند که در مصرف انرژی، منابع آبی و سیستم‌های گرمایشی و سرمایشی مصرف پایدار صورت گیرد. همچنین، با راه‌اندازی واحدهای تحقیقاتی و آموزشی و برقراری ارتباط با شرکت‌ها، صنایع و گروه‌های دولتی عملکردهای نوین و پایدار را در بخش تولید، خدمات و توزیع ارائه دهند و سرانجام دانشگاه‌ها مانند مؤسسات خصوصی و عام‌المنفعه مسئول حل مشکلات جامعه‌ای مانند پایداری‌سازی هستند (راینسون^۲ و همکاران، ۲۰۱۱: ۳-۲). اولین گام برای نشان دادن پایبندی دانشگاه‌ها به بحث پایداری «سبز شدن پردیس^۳» است و بسیاری از دانشگاه‌های دنیا در قالب مدیریت پردیس، گام‌هایی را برای ارتقا عملکرد محیط‌زیستی خود برداشته‌اند (ص. ۳). ادینت^۴ و همکاران (۲۰۱۱) برخی از این دانشگاه‌ها را به این شرح نام می‌برند: دانشگاه گلکسونجرس^۵ در انگلستان، دانشگاه فناوری چالمرز^۶ در سوئیس، دانشگاه آمستردام^۷ در هلند، دانشگاه تربیت‌معلم زوریخ^۸، دانشگاه دانشگاه گرس^۹ در استونی، دانشگاه مهندسی یو پی سی بارسلونا^{۱۰} در اسپانیا، دانشگاه سانیس^{۱۱} در مالزی. به دو دلیل لازم است تا فضای دانشگاه و پردیس، خود را با معیارهای محیط‌زیستی انطباق دهد. اول این‌که «سبز شدن» پردیس، عملکردهای محیط‌زیستی، نهادی و اجتماعی - اقتصادی دانشگاه را بهبود می‌بخشد. دوم این‌که دانشگاه با حرکت به‌سوی توسعه پایدار می‌تواند رفتارهای حمایت‌کننده از اصل پایداری را مدل‌سازی کند و به‌طور غیررسمی و به‌صورت داوطلبانه فضای لازم برای یادگیری درباره پایداری‌سازی جامعه دانشگاهی را فراهم نماید (واس^{۱۲} و همکاران، ۲۰۱۲: ۲۱). به‌طورکلی، یادگیری و افزایش آگاهی درباره مسائل زیست‌محیطی، تغییر شیوه زندگی در جهت پایداری و انگیزه بخشی به افراد برای عمل‌گرایی در جهت حل چالش‌های محیط‌زیستی می‌تواند دانشجویان را در به‌کارگیری و نهادینه‌سازی مفهوم پایداری در شیوه زندگی خود و اطرافیان توانمند سازد (جونز، ۲۰۰۷: ۴۲-۴۰). با توجه به نقش و اهمیت بالای جوانان در بحث توسعه پایدار و نیز جایگاه سبک زندگی، اهدافی که در این مقاله دنبال می‌شوند عبارت‌اند از:

۱. بررسی میزان پایبندی دانشجویان به داشتن سبک زندگی پایدار و
۲. شناسایی عوامل اجتماعی که بر گرایش دانشجویان به سبک زندگی پایدار تأثیر دارند.

^۱. Clark
^۲. Roninson
^۳. Greening of Campuses
^۴. Adombent
^۵. Gloucestershire
^۶. Chalmers University of Technology
^۷. University Amsterdam
^۸. Zurich University of Teacher Education
^۹. University of Graz
^{۱۰}. UPC Technical University Barcelona
^{۱۱}. University Sains Malaysia
^{۱۲}. Waas

ادبیات پژوهش

الف) سبک زندگی پایدار

سبک زندگی، ادراک از خود، جهت‌گیری ارزشی و ارزش‌های فرد را منعکس می‌کند. در دهه‌ی اخیر بدون سبک زندگی و هویت اجتماعی، یعنی بدون چارچوب‌های مشخصی که شباهت‌ها و تفاوت‌ها را آشکار می‌سازد، افراد یک جامعه امکان برقراری ارتباطی معنادار و پایدار میان خود را نخواهند داشت (رحمت‌آبادی و آقا بخشی، ۱۳۸۹: ۲۲۸). سبک زندگی مفهومی است که شامل عملکردها، رفتارها و در کل، شیوه زندگی است. بسیاری از عملکردهای مصرفی و رفتارها سلیقه‌ای هستند و باهدف آسان‌تر شدن زندگی انجام می‌شوند. هر محصول یا هر خدمتی که استفاده می‌شود انتخابی است زیرا به طریقی برآورده شدن نیازها را تسهیل می‌کند و بر کیفیت زندگی فرد می‌افزاید. تغییر شیوه مصرف، استفاده از کالا یا خدمات که بتواند پایداری محیط‌زیستی و اجتماعی را بهبود بخشد، در پایداری سبک زندگی اهمیت دارد. سبک زندگی پایدار مفهومی است که در یک چارچوب گسترده‌تر یعنی توسعه پایدار قرار می‌گیرد. توسعه پایدار تلاش می‌کند تا زمینه‌ی مشترکی در میان گروهی از دولت‌های پراکنده و اغلب متعارض و نیز سایر گروه‌های اجتماعی پیدا کند و جنبش جهانی توسعه را با جنبش زیست‌محیطی به‌گونه‌ای پیوند می‌دهد که به‌خصوص در بحث تولید و مصرف انرژی، پایداری صورت بگیرد (ساتن، ۱۳۹۲: ۲۷۰). مفهوم سبک زندگی پایدار به گونه‌های مختلفی تعریف شده است: از نظر دارنتون^۱ (۲۰۰۴: ۸) سبک زندگی پایدار، الگوهای کنش و مصرفی است که مردم برای متمایز ساختن خود از دیگران به کار می‌گیرند. تأمین نیازهای پایه، حداقل مصرف منابع طبیعی و تولید ضایعات و احترام به نیازهای نسل آینده از جمله شرایط داشتن سبک زندگی پایدار است؛ بنابراین، هرگونه تلاش مؤثر برای تغییر الگوهای سبک زندگی با توجه به پایداری مستلزم درک چرایی مصرف کالاها به طریق دلخواه، ترویج آگاهی برای تغییر الگوی مصرف و تثبیت امکان تمایل فرد به تغییر الگوها می‌باشد (بدفورد^۲ و همکاران، ۲۰۰۴: ۵-۶). بر اساس معیار محیط‌زیستی، می‌توان چهار سبک زندگی را مشخص کرد. محیط‌زیست‌گرایان متعهد: افرادی که به اکثر رفتارها در سه عامل (خرید، عادت‌ها و بازیافت) که نماینده سه عملکرد محیط‌زیستی متمایز هستند، تعهد همیشگی دارند. محیط‌زیست‌گرایان متعهد به دقت درباره انتخاب‌های مصرفی‌شان به‌ویژه در رابطه با تأثیرات منفی محیط‌زیستی فعالیت‌های مصرفی و جنبه‌های آلودگی و مدیریت ضایعات فکر می‌کنند. این افراد متعهد و بانگیزه، خواهان جا انداختن انتخاب‌هایی درست و عاقلانه درباره مصرف به‌خصوص جستجو محصولات کلیدی هستند. محیط‌زیست‌گرایان معمولی به‌واسطه تمایزاتی که بین این گروه و محیط‌زیست‌گرایان متعهد وجود دارد، به این نام نام‌گذاری شدند. در کل، این گروه در مقایسه با محیط‌زیست‌گرایان متعهد تغییر اندکی در تعهد رفتاری دارند. با این وجود، محیط‌زیست‌گرایان معمولی به فعالیت‌های خرید تعهد بالایی دارند. در مقابل تعداد افرادی از این گروه که ضایعاتشان را تبدیل به کود کنند، کمتر است که به‌واسطه آن، نوعی تغییر از تعهد معنی‌دار به یک موضع اصولاً مبهم و دوپهلوی اتفاق می‌افتد. محیط‌زیست‌گرایان موقعیتی احتمال خیلی کمی دارد که همه رفتارهای محیط‌زیستی مسئولانه به‌ویژه در رابطه با مصرف آب، انرژی، بازیافت و خرید محصولات را انجام دهند. آخرین گروه در طیف سبک زندگی پایدار، غیر محیط‌زیست‌گرایان هستند که این گروه مهم هستند چون بر یک گروه غیرمتعهد دلالت دارند که به‌ندرت رفتارهای مسئولانه انجام می‌دادند (بار، ۲۰۱۱).

نگرش محیط‌زیستی

دانلپ و ون لایر در اواسط دهه ۱۹۷۰، تحت تأثیر پیراژه و ارلیخ^۳ (۱۹۷۰) که محور پارادایم اجتماعی غالب در آمریکا را ضد محیط‌زیست می‌دانستند و با درک این واقعیت که محیط‌زیست‌گرایان به موضوعاتی گسترده‌تر از محافظت محیط‌زیست می‌پردازند، به این نتیجه رسیدند که به‌واسطه محیط‌زیست‌گرایی، چالش‌هایی در دیدگاه‌های ما نسبت به طبیعت و رابطه‌ی انسان با آن به وجود آمده است. مفهوم‌سازی آن‌ها در مورد چیزی که پارادایم جدید محیط‌زیستی (ان ای پی) می‌نامیدند، حول عقایدی درباره‌ی توانایی انسان در به هم ریختن تعادل طبیعت،

^۱ Darnton^۲ Bedford^۳ Ehrlich

وجود محدودیت‌هایی برای رشد جوامع انسانی و حق انسان برای حکمرانی بر طبیعت، می‌چرخید. به اعتقاد آن‌ها، علی‌رغم چیرگی یک پارادایم اجتماعی ضد اکولوژیکی در جوامع غربی، در سال‌های اخیر افکاری ظهور کرده‌اند که پارادایم اجتماعی غالب جوامع غربی در ارتباط با "معافیت بشر" را به چالش می‌کشند (دانلپ و وین لایر، ۲۵: ۱۹۷۸).

پارادایم نوین محیط‌زیستی مبتنی بر باورهایی در مورد توانایی بشر در آسیب رساندن به تعادل طبیعت، وجود محدودیت در رشد جوامع انسانی و حق بشر در برابر طبیعت متمرکز بود. آن‌ها با استفاده از مبانی این پارادایم مقیاسی طراحی کرده و از آن برای سنجش جهان‌بینی، نگرش، باور و حتی ارزش‌های محیط‌زیستی افراد استفاده کردند. کانون^۱ و دانلپ (۱۹۷۸) با شناسایی محدودیت‌های رویکرد جدایی انسان از طبیعت مبانی پارادایم جدید بوم‌شناختی را پایه‌ریزی کردند. رویکرد جدایی انسان از طبیعت ادعا می‌کرد که ارتباط انسان و محیط‌زیست از منظر جامعه‌شناختی بی‌اهمیت است زیرا انسان‌ها به‌عنوان گونه‌های برتر و به دلیل وجود فرهنگ از طبیعت جدا هستند. این رویکرد از زمان انقلاب صنعتی تا نیمه دوم قرن بیستم مسلط بود.

بدین ترتیب در مطالعات اجتماعی دیدگاه جدیدی به وجود آمد که متغیرهای محیط‌زیستی را در تحقیقات اجتماعی وارد کرده و چشم‌انداز جدیدی را برای جامعه‌شناسی تدارک می‌دید. این رویکرد با شناسایی ظرفیت ابتکاری انسان معتقد بود که انس آن‌ها به‌عنوان موجودات اکوسیستمی با دیگرگونه‌ها وابستگی متقابل دارند. همچنین برای قدرت نیروهای اجتماعی و فرهنگی اهمیت قائل بود. در مقابل انس آن‌ها نیز تحت تأثیر بازخوردهای اکوسیستم می‌باشند. انسان با ساخت جامعه‌ی پیچیده به استفاده فزاینده و تهی‌سازی منابع وابسته شده است و در حقیقت موفقیت انسان با داستان تأسف بار طبیعت همراه بوده است. رویکرد اکوسیستمی جدید تقسیمات پیشین در نظریات جامعه‌شناختی را تغییر داد. این نگرش جدید افکار سبز در کسوتی دانشگاهی بود و از رهیافتی حمایت می‌کرد که کمتر انسان‌محور و بیشتر بوم‌محور بود. بدین معنی که انس آن‌ها نیز فقط یک نوع از گونه‌های ساکن در روی زمین هستند "بنی فاطمه و همکاران، ۱۲۹۲: ۱۷۵). این پارادایم توسط دانلپ و ون لایر تدوین و به‌صورت تجربی و در قالب یک مقیاس ۱۲ گویه ای موردبررسی قرار گرفت و نشان داده شد که باورهای محیط‌زیستی با چهار بعد محدودیت رشد، تعادل بین طبیعت و رشد اقتصادی نیاز به همزیستی انس آن‌ها و طبیعت و درنهایت، انسان‌محوری در ارتباط است (صالحی، ۲۰۱۰). البته مقیاس‌های این گویه در مراحل بعدی و پس از سی سال کاربرد در مناطق مختلف جهان، توسط خود دانلپ بازبینی شد و به تعداد ۱۵ گویه افزایش یافته است. ساخت مقیاس‌های معتبر و پایا از جهت‌گیری‌های ارزشی به محققان کمک می‌کند تا بهتر بتوانند مسیر این تغییرات و رابطه‌شان با تغییر جمعیت شناختی، اقتصادی و رفتاری را درک کنند.

دانش محیط‌زیستی

آگاهی و شناخت نسبت به هر مسئله بستر فرهنگی لازم برای مقابله با آن مسئله را فراهم می‌کند، لاجرم آگاهی نسبت به مسائل محیط‌زیست در شکل‌دهی رفتارهای تأثیرگذار بر محیط‌زیست مداخله می‌نماید (یزدخواستی و همکاران، ۱۳۹۲). آگاهی محیط‌زیستی قدرت درک و دریافت مسائل محیط‌زیست است که درنهایت به نگرش مثبت نسبت به محیط‌زیست منجر می‌شود. محورهای اصلی آگاهی محیط‌زیستی یادگیری در متن طبیعت و محیط‌زیست، ایجاد پیوند بین مفاهیم محیط‌زیستی، قابلیت ارائه مهارت درزمینه محیط‌زیست و برانگیختن وجدان عمومی است.

کولوموس^۲ و آگیمن^۳ (۲۰۰۲) آگاهی محیط‌زیستی را شناخت تأثیر رفتار انسانی بر محیط‌زیست تعریف کردند که دارای دو بخش دانش پایه و ادراکات احساسی است. این نوع آگاهی متأثر از چندین محدودیت شناختی و احساسی است. اول این‌که تأثیر بسیاری از مشکلات محیط‌زیستی به‌صورت مستقیم محسوس نیست. نمی‌توانیم تشعشع هسته‌ای، نازک شدن لایه ازن یا انباشت گازهای گلخانه‌ای در جو را حس کنیم؛ بنابراین بدون درگیری عاطفی با مسئله این اطلاعات قابل درک نمی‌باشند. دوم این‌که تخریب محیط‌زیست تدریجی است. انس آن‌ها در

^۱. Catton

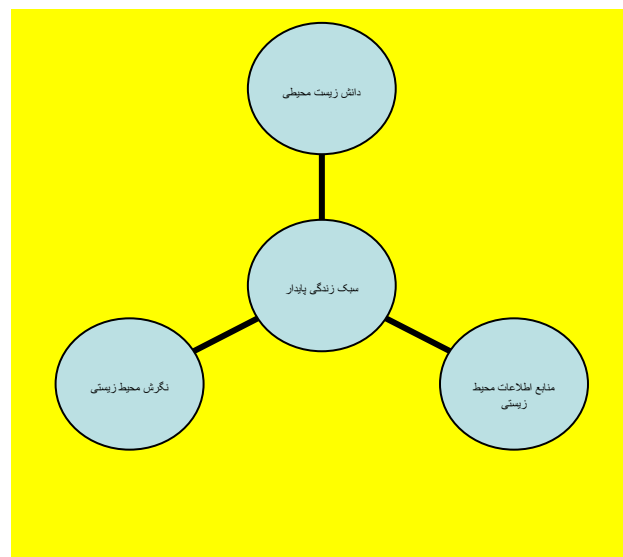
^۲. Kollmuss

^۳. Agyeman

برابر تغییرات ناگهانی و سریع، خوب عمل می‌کنند اما غالباً نمی‌توانند تغییرات آهسته و در حال گسترش را درک کنند. سوم این‌که اکثر مشکلات محیط‌زیستی پیچیده و دشوار هستند. مردم غالباً گرایش به ساده‌سازی و تفکر خطی درباره آن‌ها دارند. این امر مانع از درک عمیق تخریب طبیعت می‌شود؛ بنابراین، محدودیت‌های شناختی برای درک تخریب محیط‌زیست شامل تعهد عاطفی و تمایل ما به عمل است. درگیری عاطفی محدودی است که ما بر اساس آن با جهان طبیعی رابطه احساسی داریم. این پیوند عاطفی برای شکل‌گیری باورها، ارزش‌ها و نگرش‌هایمان نسبت به محیط‌زیست اهمیت زیادی دارد. علاوه بر این، درگیری عاطفی به‌عنوان توانایی برای داشتن واکنش عاطفی در زمان مواجهه با تخریب محیط‌زیست مطرح می‌شود. نقش دانش محیط‌زیستی در رفتار محیط‌زیستی از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد که البته این نقش در طول سه دهه‌ی اخیر تغییر جهت‌های فراوانی داده است (صالحی، ۲۰۱۰). مع‌الوصف آنچه حائز اهمیت می‌باشد این است که آگاهی از مسائل و موضوعات محیط‌زیستی معمولاً به‌عنوان پیش‌نیازی برای دغدغه‌های محیط‌زیستی در نظر گرفته می‌شود. به همین دلیل یکی از پیش‌فرض‌های اساسی در مطالعات محیط‌زیست این است که بسیاری از مشکلات زیست‌محیطی را می‌توان با افزایش دانش عمومی در مورد محیط‌زیست برطرف نمود. به‌عبارت‌دیگر اعتقاد بر این است که دانش زیست‌محیطی کلید حل بسیاری از مشکلات محیط‌زیستی می‌باشد. بار (۲۰۰۳: ۲۴۸) می‌گوید " این تصور در قلب سیاست‌گذاری‌های دولتی جای دارد که دانش مناسب تأثیرات ملموسی روی رفتار خواهد داشت ". (صالحی، ۱۳۹۰: ۲۰۳).

رسانه‌ها و چارچوب‌بندی جدید

هانینگن (۱۳۹۴) در کتاب خود با عنوان جامعه‌شناسی محیط‌زیست یکی از عوامل مؤثر بر برساخت مسائل محیط‌زیستی را منابع اطلاعاتی به‌خصوص رسانه‌ها عنوان می‌کند. رسانه‌های جمعی نقشی کلیدی در برساخت نگرانی‌های زیست‌محیطی، نگهداشت اهمیت مسائل زیست‌محیطی در مباحث عمومی جامعه بالا نگه‌داشتن سطح آگاهی نسبت به موضوعات زیست‌محیطی دارند (صالحی و امام قلی، ۱۳۹۳). سومین عامل در دستگاه مفهومی هانینگن، پرداختن به مسائل محیط‌زیستی از سوی رسانه جمعی است. نقش رسانه‌ها در جهان معاصر حائز است، اما در مقایسه با کشورهای درحال‌توسعه که سایر وسایل ارتباطی مجازی آن‌چنان گسترش پیدا نکرده است، این نقش بسیار بیشتر و پررنگ‌تر است. همان‌طور که هانینگن می‌گوید در مرحله گذار مشکلات محیط‌زیست از حالت عادی به یک مسئله و نگرانی سیاسی، قابلیت دید رسانه‌ای بسیار مهم است. به‌طورمعمول هر مشکلی بدون پوشش رسانه‌ای، وارد عرصه گفتمان عمومی یا بخشی از روند سیاسی نمی‌شود. به‌عنوان‌مثال، بدون پوشش رسانه‌ای، بسیاری از مردم عادی نمی‌توانند از بیماری جنون گاوی یا خطرهای غذاهای با اصلاح ژنتیکی آگاهی یابند (هانینگن، ۱۳۹۴: ۱۲۹). تأثیر رسانه‌ها بر آگاهی‌های محیط‌زیستی عمومی انحصاری نبوده و عوامل دیگری نیز در جلب‌توجه افکار عمومی ایفاء نقش می‌کنند. در دهه اخیر، رسانه ملی در ایران به مسائل محیط‌زیستی توجه نشان داده است، عدم موفقیت در برساخت مشکلات محیط‌زیستی در حوزه‌های مختلف ناشی از عدم مشارکت سایر عوامل است (همان منبع). مزیت پوشش خبری حادثه محور، افزایش آگاهی عمومی است که بدون آن، موضوعات محیط‌زیستی نادیده گرفته می‌شود، اما جنبه‌های منفی نیز دارد. این‌گونه پوشش خبری متمرکز بر حوادث پراکنده، به‌جای این‌که حوادث را در بستر اجتماعی نشان دهد، چنین القاء می‌کند که گویا افراد، شرکت‌های خاص مسئول حوادث هستند و نه سیاست‌های سازمانی و توسعه اجتماعی (هانینگن، ۱۳۹۴: ۱۳۸).



نمودار ۱: مدل نظری تحقیق

به دنبال اهمیت یافتن مشکلات محیط‌زیستی مخصوصاً گرم شدن جهانی که علت اصلی آن تولید کربن بالا بود در دهه ۱۹۹۰ به این سو، تحقیقات گسترده‌ای در بعد مصرف و میزان پایدار بودن سبک زندگی گروه‌های مختلف اجتماعی از جمله دانشجویان در مناطق مختلف آغاز شد. در ایران کریمی (۱۳۹۲) به بررسی سبک زندگی ۳۹۶ از دانشجویان پرداختند. پیمایش به صورت اینترنتی انجام شد. نتایج نشان داد که بین نگرش و عمل نسبت به سبک زندگی پایدار شکاف وجود دارد. مارجانی^۱ و همکارانش (۲۰۰۸) با بررسی ۴۳۶ نفر از دانشجویان مجارستانی دریافتند که سبک زندگی آن‌ها ناپایدار است و سبک زندگی آن‌ها برحسب جنسیت و محل سکونت تفاوت معنی‌داری نداشته است. علاوه بر این، تحلیل خوشه‌ای عوامل مؤثر بر مصرف در تحقیق مذکور نشان داد که دانش و نگرش محیط‌زیستی تأثیرگذار بودند. مودیرایگلو و آلتانلر (۲۰۱۰) با بررسی سبک زندگی ۵۰۷ نفر از دانشجویان در ترکیه دریافتند که دانشجویان دختر و دانشجویان ساکن در شهر سبک زندگی پایداری دارند و رابطه مثبتی بین نگرش و دانش محیط‌زیستی و سبک زندگی پایدار آن‌ها وجود دارد. فینلای^۲ (۲۰۱۰) در بررسی کیفی میزان تعهد دانشجویان به سبک زندگی پایدار در دانشگاه کوئین کانادا دریافت که دانشجویان نگرش مثبت نسبت به سازگار ساختن عادت‌های شخصی‌شان با سبک زندگی پایدار داشتند. آن‌ها نقش آگاهی زیست‌محیطی را مهم می‌دانستند؛ و پرکاربردترین منبع اطلاع‌رسانی در این زمینه تلویزیون بود. چاپلین^۳ (۲۰۱۴) در مقاله خود با عنوان تعهد ۵۷۰۳ نفر از دانشجویان در ۵ دانشگاه انگلستان و اسکاتلند نسبت به پایداری محیط‌زیستی در سبک زندگی، دریافتند که دانشجویان دختر و آن‌هایی که درآمد متوسط داشتند پایبندی بیشتری به سبک زندگی پایدار داشتند. کمبود تسهیلات بازیافت و در مورد موانع سبک زندگی پایدار نیز دو مقوله مشخص شد. اول تسهیلات بازیافت و جابه‌جایی وظیفه یا این‌که بازیافت مسئولیت دیگری است. آن‌ها مسئولیت پایداری را متوجه دیگران می‌دانستند.

^۱. Marjani
^۲. Finlay
^۳. Chaplin

فرضیات تحقیق

با توجه به مبانی نظری و پیشینه تحقیق، چهار فرضیه در ارتباط با سبک زندگی پایدار در میان دانشجویان مطرح می‌باشد. این فرضیات عبارت‌اند از:

۱. گرایش به سبک زندگی پایدار برحسب جنسیت و محل سکونت متفاوت است.
۲. نگرش محیط‌زیستی بر سبک زندگی پایدار دانشجویان تأثیر دارد.
۳. دانش محیط‌زیستی بر سبک زندگی پایدار دانشجویان تأثیر دارد.
۴. منابع اطلاعاتی بر سبک زندگی پایدار تأثیر دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش پیمایش انجام شده و گردآوری اطلاعات آن با استفاده از پرسشنامه صورت پذیرفت. جامعه آماری تحقیق حاضر را دانشجویان مراکز آموزش عالی دولتی در استان مازندران تشکیل دادند که عبارت‌اند از دانشگاه مازندران (در بابلسر)، دانشگاه صنعتی نوشیروانی (در بابل)، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی (در بابل)، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی (در ساری). بر اساس آمار معاونت آموزشی دانشگاه‌های مذکور در مجموع، در سال تحصیلی ۹۱-۹۰، تعداد ۱۱۸۵۰ نفر دانشجو در مجموع این دانشکده‌ها مشغول به تحصیل بودند که بر اساس فرمول کوکران و با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای، تعداد ۴۱۵ نفر به‌عنوان نمونه تعیین شدند.

جدول ۱: تعداد دانشجویان به تفکیک دانشکده‌ها

نام دانشگاه	نام دانشکده	تعداد کل	تعداد دانشجویان در نمونه
دانشگاه مازندران	علوم انسانی و اجتماعی	2025	۸۳
	علوم اقتصادی و اداری	2140	۸۶
	هنر و معماری	329	۱۶
	علوم پایه	794	۴۰
	تربیت بدنی	578	۲۱
دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل	علوم مهندسی	۲۴۵۳	۸۰
دانشگاه علوم کشاورزی ساری	منابع طبیعی	674	30
دانشگاه علوم پزشکی بابل	پیراپزشکی	۱۳۵۰	7۵
جمع کل		۱۰۳۱۳	15۴

جهت سنجش اعتبار پرسشنامه از اعتبار صوری^۱ استفاده شد. جدول زیر، تعریف نظری و عملیاتی و میزان پایایی هر یک از متغیرهای وابسته و مستقل تحقیق را نشان می‌دهد.

^۱. Formal validity

جدول ۱: تعریف نظری و عملیاتی متغیرهای زمینه‌ای تحقیق

نام متغیر	تعریف نظری	تعریف عملیاتی	پایایی
سبک زندگی پایدار	الگوهای کنش و مصرف توسط افراد می‌باشد که علاوه بر حفظ کیفیت مطلوب زندگی، استفاده از منابع طبیعی و تولید ضایعات را به حداقل برساند و نسل‌های آتی را برای تأمین نیازهایشان در مضیقه قرار ندهد (مینکس، ۲۰۰۷)	رعایت معیارهای محیط‌زیستی در مصرف	۰/۸۴
		مشارکت داشتن در فعالیت‌های محیط‌زیستی	۰/۸۰
نگرش زیست‌محیطی	نوعی نگرش نسبت به محیط‌زیست می‌باشد که بر اساس آن فرد معتقد است اولاً انسان بر طبیعت غلبه ندارد، ثانیاً باید بین انسان و طبیعت تعادل وجود داشته باشد و ثالثاً، برای رشد و توسعه اقتصادی محدودیت وجود دارد (صالحی و پازوکی نژاد، ۱۳۹۳ الف)	پارادایم نوین محیط‌زیستی دانلپ و ون لایر	۰/۶۸
دانش محیط‌زیستی	شناخت و سواد لازم درباره‌ی مفاهیم کلیدی، مسائل محیط‌زیستی و آشنایی با مهارت‌های لازم برای مقابله با آنها (صالحی و پازوکی نژاد، ۱۳۹۳ ب)	شناخت لایه اوزون، تنوع زیستی، معاهدات محیط‌زیستی، تغییر آب‌وهوا	۰/۷۴
منابع اطلاعاتی	مجموعه ابزارهایی است که مجموعه‌ای از راه‌حل‌ها برای کاهش و تأثیرات مخرب محیط‌زیست را ارائه می‌دهند و به افراد در رسیدن به یقین و قطعیت در باب مسائل محیط‌زیستی کمک می‌کنند (هانینگن، ۱۳۹۴)	رسانه‌های دیداری، شنیداری، نوشتاری، نهادهای غیردولتی محیط‌زیستی، خانواده و دوستان	۰/۷۹

نهایتاً، متغیرهای اجتماعی - جمعیتی به این صورت تعریف عملیاتی شدند که متغیر جنسیت با استفاده از متغیر مجازی (۱ به‌عنوان مرد و ۲ به‌عنوان زن) کدبندی شد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های تحقیق حاضر در دو بخش ارائه می‌شود. بخش اول شامل توصیف متغیرهای تحقیق است. بخش دوم به تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری اختصاص می‌یابد.

یافته‌های توصیفی

الف) نتایج توصیفی تحقیق برحسب متغیرهای زمینه‌ای: ۶۵/۷ درصد از دانشجویان موردبررسی از نظر جنسیت، دختر و از نظر محل سکونت، ۸۵/۹ درصد آن‌ها در شهر ساکن بودند. علاوه بر این و از حیث محل تحصیل، ۲۹/۳ و ۲۳/۵ درصد دانشجویان به ترتیب در دانشکده مهندسی نوشیروانی بابل و منابع طبیعی ساری مشغول به تحصیل بودند.

ب) توصیف یافته‌ها برحسب سبک زندگی پایدار دانشجویان: همان‌طور که قبلاً مطرح شد سبک زندگی پایدار دانشجویان با استفاده از دو مؤلفه موردسنجش قرار گرفت: مصرف و مشارکت در فعالیت‌های حفاظت از محیط‌زیست. جدول ۲، وضعیت پراکندگی پاسخ‌ها را برحسب مؤلفه‌های سبک زندگی پایدار نشان می‌دهد.

جدول ۲: وضعیت سبک زندگی پایدار دانشجویان

مؤلفه‌ها	همیشه	اغلب اوقات	گاهی اوقات	هیچ وقت	میانگین
توجه به محیط‌زیست در مصرف	۱۳	۳۷/۲	۴۱/۹	۸	۲/۵۵
مشارکت در حفاظت از محیط‌زیست	۴/۸	۲۴/۱	۵۰/۱	۲۲	۲

طبق جدول ۲، نزدیک به ۴۲ درصد دانشجویان (بیشترین درصد)، گاهی اوقات (در موارد معدود) معیارهای محیط‌زیستی را در مصرف رعایت می‌کردند که میانگین نیز نشان می‌دهد میزان توجه به محیط‌زیست در بعد مصرف محدود است (۲/۵۵ از ۵). هم‌چنین، بیشتر دانشجویان در موارد نادر در فعالیت‌های حفاظت از محیط‌زیست مشارکت داشتند (۵۰/۱ درصد) و میانگین ۲ از ۵ نیز نشان می‌دهد سطح مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های زیست‌محیطی پایین می‌باشد به عبارتی در گروه‌بندی سبک زندگی، دانشجویان در گروه محیط‌زیست گرایان تصادفی قرار می‌گیرند.

ج) توصیف یافته‌ها برحسب دانش محیط‌زیستی: از جمله متغیرهای مهم برای پیش‌بینی رفتار انسان، دانش فرد درباره مسائل محیط‌زیستی است. دانش محیط‌زیستی به منزله یک ضرورت برای انجام موفقیت‌آمیز فعالیت‌های مسئولانه در قبال محیط‌زیست تعریف می‌شود. یافته‌ها نشان داد که ۱۴/۷ درصد دانشجویان از سطح دانش خوب، ۶۵ درصد متوسط و نزدیک به ۲۰ درصد دانشجویان از دانش ضعیفی نسبت به مسائل محیط‌زیستی برخوردارند. میانگین پاسخگویان نزدیک به متوسط یعنی ۲/۹۰ از ۵ بوده است.

د) توصیف یافته‌ها برحسب نگرش محیط‌زیستی: تحقیقات پیشین نشان داده است که نگرش یا دغدغه‌های محیط‌زیستی می‌تواند به درگیر شدن در رفتارهای حامی محیط‌زیست بیانجامد. جدول ۳، وضعیت نگرش محیط‌زیستی دانشجویان را با استفاده از طیف پارادایم نوین محیط‌زیستی نشان می‌دهد.

جدول ۳: وضعیت نگرش محیط‌زیستی دانشجویان

وضعیت نگرش محیط‌زیستی	فراوانی	درصد فراوانی معتبر
موافقم	۱۶۰	۴۶/۹
تا حدودی موافقم	۱۲۹	۳۷/۸
مخالقم	۱۴	۱/۴
تا حدودی مخالقم	۳۸	۱۱/۱

طبق جدول ۳، وضعیت نگرش محیط‌زیستی دانشجویان نشان می‌دهد نزدیک به ۴۷ درصد دانشجویان دارای نگرش مثبت بودند درحالی‌که ۳۸ درصد تا حدودی موافق، ۱۱/۱ درصد تا حدودی مخالف و ۱/۴ درصد مخالف بودند. میانگین داده‌ها نیز نشان می‌دهد که سطح نگرش محیط‌زیستی دانشجویان پایین می‌باشد (۲/۵۵ از ۵).

د) توصیف یافته‌ها برحسب منابع اطلاعات محیط‌زیستی: یافته‌ها نشان داد که دانشجویان، بیشترین اطلاعات محیط‌زیستی خود را از رسانه‌های دیداری با ۵۳ درصد و کمترین سطح اطلاعات خود را از گروه‌های حامی محیط‌زیست با ۶ درصد، کسب می‌کنند.

یافته‌های استنباطی

الف) تحلیل مقایسه‌ای سبک زندگی پایدار برحسب جنسیت و محل سکونت: نتایج به‌دست‌آمده از آزمون تی نشان داد که سبک زندگی پایدار برحسب جنسیت در سطح ۹۹ درصد متفاوت است. میانگین‌های سبک زندگی برحسب جنسیت، پسران (۴۴/۶۱) و دختران (۳۶/۲۵) نیز نشان می‌دهد که گرایش دانشجویان به سبک زندگی پایدار برحسب جنسیت متفاوت است. علاوه براین، سبک زندگی پایدار برحسب محل سکونت در سطح ۹۹ درصد تفاوت معنی‌دار دارد. رتبه‌های میانگین در شهر (۳۶/۹۵) و روستا (۳۲/۸۲) نیز این مؤید این نکته است.

(جدول ۴ و ۵)

جدول ۴: مقایسه‌ی سبک زندگی پایدار برحسب جنسیت

متغیر	میانگین‌ها	مقدار آزمون	سطح معنی داری
سبک زندگی پایدار	مرد	۲/۳۹-	۰/۰۰
	زن		
	۴۴/۶۱		
	۳۶/۲۵		

جدول ۵- مقایسه‌ی سبک زندگی پایدار برحسب محل سکونت

متغیر	میانگین‌ها	مقدار آزمون	سطح معنی داری
سبک زندگی پایدار	شهر	۲۸	۰/۰۰
	روستا		
	۳۶/۹۰		
	۳۲/۸۲		

ب) بررسی رابطه بین منابع اطلاعاتی، پایگاه اجتماعی- اقتصادی و سبک زندگی پایدار: با توجه به سطح سنجش پایگاه اجتماعی و منابع اطلاعاتی که ترتیبی است از آزمون گاما در این قسمت استفاده شد. سبک زندگی پایدار دانشجویان با پایگاه اجتماعی هیچ رابطه معناداری نداشت. (مقدار گاما = ۰/۰۸ و سطح معنی داری = ۰/۱۱) درحالی‌که اجرای این آزمون برای متغیر منابع اطلاعاتی نشان داد که سبک زندگی پایدار برحسب استفاده از منابع اطلاعاتی متفاوت است (مقدار آزمون = ۰/۱۶ و سطح معنی داری = ۰/۰۰). به عبارت دیگر هرچه دانشجویان بیشتر از منابع اطلاعات محیط‌زیستی استفاده کنند، گرایش بیشتری به داشتن سبک زندگی پایدار خواهند داشت.

جدول ۶- بررسی رابطه بین سبک زندگی پایدار، پایگاه اجتماعی و منابع اطلاعاتی

متغیر وابسته	متغیرهای مستقل	مقدار آزمون گاما	سطح معنی داری
سبک زندگی پایدار	پایگاه اجتماعی	۰/۰۸	۰/۱۱
	منابع اطلاعاتی	۰/۱۶	۰/۰۰

ج) تأثیر متغیرهای مستقل بر سبک زندگی پایدار: همان‌طور که در مبانی نظری مطرح شد، دانش محیط‌زیستی، نگرش محیط‌زیستی، دسترسی به منابع اطلاعات محیط‌زیستی، بر سبک زندگی پایدار تأثیر دارد. جدول ۵ نیز نشان‌دهنده ضرایب تأثیر مدل نهایی رگرسیون متغیرهای مستقل تبیین‌کننده سبک زندگی پایدار است.

جدول ۴- ضرایب تأثیر مدل نهایی رگرسیون متغیرهای مستقل تبیین‌کننده سبک زندگی پایدار

متغیرها	ضرایب بتا	مقدار آزمون تی	سطح معنی داری
مقدار ثابت	۸/۰۲	۱/۷۱	۰/۸۹
منابع اطلاعات محیط‌زیستی	۰/۶۳	۹/۱۸	۰/۰۰
نگرش محیط‌زیستی	۰/۴۹	۵/۰۳	۰/۰۰
دانش محیط‌زیستی	-۰/۱۳	-۱/۴۹	۰/۱۳

همان‌طور که جدول ۴ نشان می‌دهد، متغیر منابع اطلاعاتی، اولین متغیری بود که وارد مدل شده و بیشترین رابطه را با سبک زندگی پایدار داشته است. در مقابل، متغیر دانش محیط‌زیستی آخرین متغیری بوده که وارد مدل شده و کمترین رابطه را با متغیر وابسته نشان داده است. بر اساس ضرایب بتا، متغیر منابع اطلاعات محیط‌زیستی، قوی‌ترین متغیر وارد شده به مدل می‌باشد. سطح معنی‌داری جدول نیز نشان می‌دهد که متغیرهای منابع اطلاعات محیط‌زیستی و نگرش محیط‌زیستی رابطه معنی‌داری با متغیر سبک زندگی پایدار دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

در بررسی حاضر سعی شد تا میزان پایبندی دانشجویان به سبک زندگی پایدار و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن مبتنی بر مبانی نظری و پیشینه تحقیق بررسی شود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که سبک زندگی دانشجویان با مقوله پایداری فاصله نسبتاً زیادی دارد. همانند تحقیقات چاپلین (۲۰۱۴) در انگلیس، در این بررسی نیز مشخص شد که سبک زندگی پایدار برحسب جنسیت متفاوت است اما بررسی مارجیانی و همکارانش (۲۰۰۸) برخلاف آن بود. سبک زندگی دانشجویان برحسب محل سکونت متفاوت بود؛ اما بررسی مودیپرایگلو و آلتانلر (۲۰۱۰) در ترکیه نشان داد که ساکنان مناطق شهری اهمیت کمتری به سبک زندگی پایدار می‌دهند. مطابق فرضیات تحقیق، از میان عوامل تأثیرگذار برداشتن سبک زندگی پایدار، نگرش محیط‌زیستی، آگاهی بخشی و شفاف‌سازی از طریق رسانه‌ها، برخورداری از دانش محیط‌زیستی مورد آزمون قرار گرفت. نتایج آزمون فرضیات نشان داد که همانند تحقیقات انجام‌شده توسط مارجیانی و همکارانش (۲۰۰۸) در مجارستان؛ چاپلین (۲۰۱۴) در انگلیس، فینلای و همکاران (۲۰۱۳) در کانادا، بین سبک زندگی پایدار با منابع اطلاعات محیط‌زیستی، نگرش محیط‌زیستی و دانش محیط‌زیستی رابطه مستقیم وجود دارد. برای شناسایی متغیرهای تأثیرگذار بر سبک زندگی پایدار نیز از مدل رگرسیون (روش گام‌به‌گام) بهره گرفته شد. نتایج نشان داد که بهره‌گیری از منابع اطلاعاتی (رسانه‌های جمعی، نهادهای مردمی حامی محیط‌زیست) و نگرش محیط‌زیستی، بیشترین تأثیر را بر شیوه زندگی سازگار با محیط‌زیست دارد. این نتیجه با یافته‌های به‌دست‌آمده توسط مودیپرایگلو و آلتانلر (۲۰۱۰) در ترکیه؛ چاپلین (۲۰۱۴) در انگلیس؛ فینلای و همکاران (۲۰۱۳)؛ مارجیانی و همکارانش (۲۰۰۸) در مجارستان؛ همخوانی دارد. در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت که منابع اطلاعاتی و نگرش محیط‌زیستی و دانش محیط‌زیستی در بهبود سبک زندگی پایدار افراد تأثیر زیادی دارند. هر قدر عموم مردم آگاهی بیشتری از بزرگی مخاطرات محیط‌زیستی داشته باشند، تمایل آن‌ها به مقابله با آن‌ها، بیشتر می‌شود. آموزش در تمام سطح‌های جامعه، چه از طریق آموزش مرسوم در مدارس، یا از طریق رسانه‌های مختلف مانند تلویزیون، فیلم‌ها و روزنامه‌ها ابزار اصلی برای ترغیب در راستای انجام تغییرات است. اطلاع‌رسانی از طریق رسانه‌ها باید به‌گونه‌ای باشد که توجه مخاطب را جلب کند. پیام قابل‌درک باشد و آن‌قدر تقویت‌کننده باشد که پذیرفته شود. جذابیت، شفافیت پیام مهم می‌باشد (کریمی و صفاری نیا، ۱۳۸۴: ۷۲-۷۱). در این تحقیق بر تقویت نگرش محیط‌زیستی در سبک زندگی پایدار تأکید شد. مطالعات نشان داده است با وجود این‌که نگرش یا دغدغه‌های محیط‌زیستی می‌تواند به درگیر شدن در رفتارهای حامی محیط‌زیست بیانجامد، اما رابطه علی - معلولی بین آن‌ها ضعیف یا در حد متوسط است. آگاهی دادن و اطلاع‌رسانی، تعهد فردی و گروهی و تقویت هنجارهای اجتماع درباره محیط‌زیست، طراحی محیط در تغییر نگرش و از بین رفتن شکاف بین نگرش و عمل نقش دارد (صالحی و پازوکی نژاد، ۱۳۹۳ ب). از جمله متغیرهای مهم برای پیش‌بینی رفتار انسان، دانش فرد درباره مسائل محیط‌زیستی است. دانش به‌منزله یک ضرورت برای انجام موفقیت‌آمیز فعالیت‌ها قلمداد می‌شود. در واقع، دانش به‌منزله ابزاری برای چیره شدن بر موانع روان‌شناختی مانند ناآگاهی یا اطلاعات غلط به کار گرفته می‌شود. اگرچه دانش تأثیر مستقیم بر رفتار ندارد اما مکانیسم‌های دیگری را تقویت می‌کند که تغییر رفتار را تسهیل می‌کند. فقدان دانش محیط‌زیستی مانع اساسی برای رفتارهای مسئولانه تلقی می‌شود (فردوسی و همکاران، ۱۳۸۶؛ صالحی و پازوکی نژاد، ۱۳۹۳ ج).

به‌طور کلی، آگاهی از تأثیرات مثبت که می‌تواند الگوی مصرف را تغییر دهد و مهیاسازی زمینه مشارکت افراد برای تغییر و اصلاح سبک زندگی‌شان و نیز آگاهی از تأثیرات منفی رفتارها و تصمیم‌گیری برای متفاوت بودن شیوه زندگی با پایداری بیشتر و سالم‌تر، باید لحاظ شود. مهم دانستن تأثیر قدم‌های کوچک در تغییر و انجام رفتارهای مطلوب‌تر و پایدارتر به‌صورت جمعی برای اثربخش‌تر و جالب‌تر بودن شیوه‌های

زندگی سازگار با محیط‌زیست حائز اهمیت می‌باشد. در این زمینه، استوارت^۱ (۲۰۱۰) معتقد است دانشگاه‌ها تعهد به پایداری خود را باید در اولین روز ورود دانشجویان به دانشگاه‌ها و زمان ثبت‌نام دانشجویان جدیدالورود نشان دهند. معمولاً برنامه‌های ثبت‌نام دانشجویان جدیدالورود در قالب گرفتن واحدهای درسی، آشنایی با خدمات دانشجویی، کتابخانه، سلف‌سرویس و آشنایی با فرهنگ دانشگاهی قرار می‌گیرد. به نظر استوارت (همان) راه‌های بی‌شماری برای بیان اهمیت توسعه پایدار و حفظ محیط‌زیست و متعهد سازی دانشجویان جدید به رفتارهای پایدار وجود دارد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

اول، نشان دادن پسماندهای غذایی تولیدشده از وعده‌های غذایی دانشجویان برای تولید کود؛ همکاری با شرکت‌های تأمین‌کننده مواد غذایی سلف‌سرویس برای جایگزینی ظروف غیرقابل بازیافت؛ استفاده از سطوح مناسب با برچسب مشخص با توجه به نوع مواد دورریختنی (قابل استفاده برای تولید کود، قابل بازیافت و غیرقابل بازیافت) در سلف‌سرویس با این هدف که دانشجویان مراحل جداسازی مواد غیرقابل مصرف و پسماندهای غذایی را در طول تحصیل چهارساله در دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی بیاموزند.

دوم این‌که به منظور صرفه‌جویی در مصرف کاغذ، مراحل اداری و آموزش به صورت آنلاین انجام شود و هر دانشجویی، دارای پوشه الکترونیکی برای نگهداری اسناد، مدارک آموزشی و اداری خود باشد. این منابع اینترنتی می‌تواند زمان آماده‌سازی مراحل ثبت‌نام برای هر ترم را کاهش دهد و به روزرسانی اطلاعات را آسان‌تر کند و مانع از بروز مفقود شدن مدارک و کاهش هزینه‌های مالی دانشجویان شود.

سوم این‌که استفاده از یادآورهای سرگرم‌کننده و دوستانه که حالت تشویقی دارند. این یادآورها را می‌توان در قالب سه صحنه سرگرم‌کننده دنباله‌دار برای تشویق دانشجویان به خاموش نمودن لامپ‌ها و سیستم‌های الکترونیکی در کلاس‌ها بعد از اتمام کلاس‌ها، بازیافت کاغذها و جزوات غیر قابل استفاده در باسک‌های نگهداری آن و ناهار خوردن در سالن‌های غذاخوری به جای استفاده از ظروف یک‌بارمصرف به کار گرفت. استوارت به ذکر یک نمونه از تحقیق که در دانشگاه مریلند آمریکا انجام شد می‌پردازد و می‌گوید مطابق نتیجه تحقیق مذکور مشخص شد که این یادآورها در روی آوردن دانشجویان جدیدالورود به رفتارهای پایدار در دانشگاه تأثیر مثبت داشته است (استوارت، ۲۰۱۰: ۴). پردیس سبز یا پردیس پایدار عمدتاً به نحوه مدیریت محیط‌زیستی نهادهای آموزش عالی می‌پردازد (واس و همکاران، ۲۰۱۰) تا تأثیرات محیط‌زیستی فعالیت‌های مختلف آن کاهش پیدا کند. مع‌الوصف، گرایش نوین در رعایت معیارهای محیط‌زیست در اقدامات اجرایی دانشگاه‌ها چیزی فراتر از فقط انجام دادن بازیافت و مصرف بهینه انرژی است و اهداف اجتماعی و اقتصادی و مشارکت ذی‌نفعان در آن را می‌طلبد (کولی^۲ و رایت^۳، ۲۰۰۵).

^۱. Stewart
^۲. Cole
^۳. Wright

منابع

- _ بنی فاطمه؛ حسین؛ روستایی، شهرام؛ علیزاده اقدم، محمدباقر و حسین نژاد، فهیمه (۱۳۹۲). بررسی نگرش محیط‌زیستی شهروندان تبریز بر اساس پارادایم محیط‌زیستی نو، پژوهش‌های محیط‌زیست، سال ۴، شماره ۷: ۱۷۳-۱۸۶.
- _ رحمت‌آبادی، الهام و آقا بخشی، حبیب، (۱۳۸۵)، سبک زندگی و هویت اجتماعی جوانان، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۲۰، صص: ۲۳۵-۲۵۲.
- _ ساتن، فیلیپ (۱۳۹۲)، درآمدی بر جامعه‌شناسی محیط‌زیست، ترجمه صادق صالحی، تهران: انتشارات سمت.
- _ صالحی، صادق و پازوکی نژاد، زهرا (۱۳۹۳ الف). ارزیابی اجتماعی دانش دانشجویان غیر آب‌وهوا نسبت به تغییر اقلیم، مجله تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۴ (۳۳): ۱۹۴-۱۷۱.
- _ صالحی، صادق و پازوکی نژاد، زهرا (۱۳۹۳ ب). تحلیل عوامل اجتماعی مؤثر بر نگرش و عملکرد محیط‌زیستی دانشجویان، جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۵ (۳): ۷۱-۸۸.
- _ صالحی، صادق و پازوکی نژاد، زهرا (۱۳۹۳ ج). محیط‌زیست در آموزش عالی: ارزیابی دانش محیط‌زیستی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی مازندران، مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، ۲ (۴): ۱۹۵-۱۷۳.
- _ صالحی، صادق (۱۳۹۰). رفتارهای زیست‌محیطی، دانش محیط‌زیستی و تحصیلات، علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران، سال ۲-۱۸، شماره‌های ۳ و ۴: ۲۰۱-۲۲۰.
- _ فردوسی، سیما، مرتضوی، شهناز و رضوانی، نعیمه (۱۳۸۶). دانش محیط‌زیستی و رابطه آن با رفتارهای محافظت از محیط‌زیست، پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۵۳: ۲۵۳-۲۶۶.
- _ کریمی، یوسف و صفاری نیا، مجید (۱۳۸۴). روان‌شناسی اجتماعی و تغییر نگرش مصرف‌کنندگان انرژی، نشریه انرژی ایران، ۹ (۲۰): ۸۵-۶۹.
- _ کریمی، هیروی (۱۳۹۲). بررسی سبک زندگی مردم و تأثیرات آن در توسعه پایدار شهری، اولین همایش بین‌المللی و چهارمین همایش ملی عمران شهری، سندج، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سندج، <http://www.civilica.com/Paper-NCUD۰۴-NCUD۰۴۲۶۳.html>
- _ هانیگن، جان (۱۳۹۴). جامعه‌شناسی محیط‌زیست، ترجمه صادق صالحی، تهران: انتشارات سمت و دانشگاه مازندران.
- _ یزدخواستی، بهجت؛ حاجیلو، فتانه و علیزاده اقدم، محمدباقر (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین سرمایه فرهنگی و اکولوژیکی با ردپای بوم‌شناختی (مورد مطالعه: شهروندان تبریز)، فصلنامه اخلاق زیستی، سال سوم، شماره هشتم: ۱۰۱-۱۳۱.
- _ Adombent, M., Albrecht, P., Burandt, S., Franz-Balsen, A. and Rieckerman, M. (۲۰۱۱). Towards a sustainable university: Scenarios for sustainable university development, *International Journal of Innovation and Sustainable Development*, ۵(۴): ۳۱۳-۳۳۲.
- _ Bedford, T., Jones, P. & Walker, H. (۲۰۰۴). *Every Little Bit Helps...: Overcoming the Challenges to Researching, Promoting and Implementing Sustainable Lifestyles*, from www.wmin.ac.uk, (۱۹/Mai/۲۰۱۳).
- _ Clark, S., G. (۲۰۱۰). College and University Environmental Programs as a Policy Problem, *Environmental Management*, ۱۲ (۴): ۱۴-۲۰.
- _ Darnton, A. (۲۰۰۴). *Driving Public Behaviors for Sustainable Lifestyles*, Report Search, from collection.europarchive.org, (۲۱, April, ۲۰۱۳).
- _ Dunlap, R. E. & Van Lire. (۱۹۷۸). The New Environmental Paradigm: A Proposed Measuring Instrument and Preliminary Results, *Journal of Environmental Education*, ۱۲(۹): ۱۰-۱۹.
- _ Dunlap, R. E. & Michelson, M. (۲۰۰۲). *Handbook of Environmental Sociology*, London, Greenwood Press.
- _ Cole, L. & Wright, T. (۲۰۰۵). Assessing sustainability on Canadian university campuses: The development of a campus sustainability assessment framework, In *Handbook of sustainability research*, W.L. Filho, Editor, Peter Lang: Frankfurt am Main, PP: ۷۰۵-۷۲۵.
- _ Catton, W. R. & Dunlap, R. E. (۱۹۷۸). Environmental Sociology: A New Paradigm, *American Sociologist*, No. ۱۳: ۴۱-۴۹.

- _Chaplin, G.(۲۰۱۴). Student engagement with sustainability: Understanding the value- action gap, *International Journal of Sustainability in Higher Education*, ۱۵(۴): ۴۰۴-۴۱۷.
- _European Environment Agency (۲۰۱۱). *Annual Report ۲۰۱۰ and Environment Statement ۲۰۱۱*, Luxembourg: Publications Office of the European Union.
- _Finlay, J.(۲۰۱۰). *Creating campus culture: A critical analysis of residence sustainability initiatives at Queen's University*, Thesis, Queen's University, Kingston, Canada.
- Jones, H.(۲۰۰۷). Engaging Student with Sustainable Issues, *Planet*, ۱۸: ۴۰-۴۴.
- _Kollmuss, A. & Agyeman J. (۲۰۰۲). Minding the gap: why do people act environmentally and what are the barriers to pro- environmental behavior? *Journal of Environmental Education Research*, ۸(۳): ۲۰۰۲
- _Marjaine,Z. Zsoka,A & Szechy,A.(۲۰۰۸). *Environmental Education and Pro-environmental Consumer Behavior- Results of a University Survey*, from korny.uni-corvinus.hu/otka/eloadasok/environmental_education_research_corvinus.pdf. (۱۴/۴/۲۰۱۷)
- _Muderrisoglu,H & Altanlar, A. (۲۰۱۱). Attitudes and Behavior of Undergraduate Students Towards Environmental Issues, *International Journal Environment and Science Technology*, ۸(۱) : ۱۵۹-۱۶۸.
- _Minx, E. Scott,T. Peters,G & Barrett,J.(۲۰۰۷). *Attitudes of European Citizens Towards the Environment*, Report research, from ec.europa.eu,(۲۵, Nov,۲۰۱۲).
- _Roninson,J. Berkhout,T & Campbell,A.)۲۰۱۱). *The Universities as an Agent of Change for Sustainability*, from www.horizons.gc.ca, (۲۶/Agu,۲۰۱۳).
- _Salehi, S.(۲۰۱۰). *People and Environment*, London: Limber Academic Publication.
- _Stewart, M.(۲۰۱۰). Transforming higher education: A practical plan for integrating sustainability education into the student experience, *Journal of Sustainability Education*, ۱(۵): ۱-۱۳.
- _Thorpe,C & Jacobsen, B.(۲۰۱۳). Life Politics, Nature and the State: Giddens' Sociological Theory and The Politics of Climate Change, *The British Journal of Sociology*, ۶۳(۱): ۹۹-۱۲۲.
- _Urry, J, (۲۰۱۱). *Climate Change & Society*, Cambridge, Polity Press.
- _Waas, T. Hüge, J. Ceulmans, K. Lambrechts, W. Vandenabeele, J. Lozano, R. & Wright, T.(۲۰۱۲). *Sustainable higher education- understanding and moving forward*, Flemish Government- Environment and energy department, Brussels.